

بررسی مجازات های سنتی و نوین جایگزین حبس در قانون مجازات اسلامی

نوشین یوسفی نژاد^۱، محمود آقاجانی^{۲*}

^۱ گروه حقوق، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران

^۲ گروه حقوق، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران (نویسنده مسئول)

چکیده

با توجه به ناکارآمد بودن مجازات حبس، به ویژه حبس های کوتاه مدت در اصلاح و بازپروری زندانیان، همچنین به دلیل جرم زا بودن محیط زندان، هزینه اقتصادی زندان، مشکلات بهداشتی و روانی موجود در آن و غیره، پیش بینی برنامه های جایگزین حبس لازم و مفید به نظر می رسد. بر همین اساس، امروزه، سیاست گذاران جنائی ایران در راستای حبس زدایی و منع استفاده بی رویه از مجازات حبس، اقدام به تدوین قانون مجازات های اجتماعی جایگزین زندان نموده اند. در این مقاله به بررسی گونه های سنتی و نوین جایگزین های حبس در نظام عدالت کیفری ایران پرداخته ایم.

واژه های کلیدی: اصلاح، بازپروری، جایگزین های حبس.

مقدمه

مجازات حبس به عنوان یکی از مجازات های اصلی در قوانین جزایی اکثر کشورها از جمله ایران در گذشته و حال بوده است. ولی در قرن بیستم علی الخصوص سالیان پس از جنگ جهانی دوم تحت تاثیر اقدامات جنبش دفاع اجتماعی با تاکید بر رعایت حقوق بشر و سازمان های بین المللی با صدور اسنادی مانند: میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) و قواعد توکیو (۱۹۹۰) و نیز تحت تاثیر مطالعات سنجش، گستردگی استفاده از مجازات حبس زیر سوال رفته و سلب آزادی برای موارد مهم و خطرناک مجاز شمرده شده است.

موج این تحولات به ایران هم رسیده که تدوین قانون مجازات اجتماعی بیانگر این امر می باشد. با توجه به نو بودن موضوع جایگزین های حبس در ایران، توجه ناچیز و اندک قانونگذار کیفری ایران به این موضوع، در این تحقیق به بحران عملی و نظری مجازات حبس (عوامل عملی و نظری موثر بر طرح جایگزین های حبس)، مبانی قانونی و مفهوم و اهداف ویژگی ها و شرایط کلی جایگزینهای حبس و نیز جایگاه برنامه ها و راهکارهای اتخاذ شده در قبال این بحران ها و قواعد و مقررات مربوط به جایگزین های حبس در حقوق کیفری ایران جایگزین های سنتی و جدید (از باب تسامح) نسبی و مطلق در حقوق کیفری ایران پرداخته شده است.

بخش اول: جایگزین های سنتی

جایگزین های سنتی یعنی جایگزین هایی که از بدو تدوین قانون به آنها اشاره شد. جایگزین های سنتی عبارتند از: آزادی مشروط که از جایگزین های نسبی می باشد- تعلیق اجرای مجازات که باز هم جزء جایگزین های نسبی است. جزای نقدی و مجازاتهای محرومیت از حقوق اجتماعی که جزء جایگزین های مطلق مجازات سالب آزادی هستند.

گفتار اول: آزادی مشروط

آزادی مشروط: مجازات باید در اهداف خود بیش از هر مساله ای به اصلاح مجرم توجه خاص داشته باشد. شخصی که مرتکب بزه ای شده است و در حال گذراندن دوران محکومیت خویش است به آینده خودش نیز امیدوار است برای آنکه بتوان او را به حسن سلوک و عمل، در زندان تشویق کرد یکی از منطقی ترین راه ها: اعطای آزادی مشروط است. آزادی مشروط یک ابزار و ارفاقی است که قبل از اتمام مدت مقرر مجازات حبس توسط دادگاه صادرکننده حکم به محکوم علیه اعطا می شود که نمایانگر توجه خاص قانون گذار به هدف اصلاح و درمان و باز سازگاری اجتماعی محکوم است. آزادی مشروط جزء برنامه های اصلاحی، تربیتی و اجتماعی است که تسهیل کننده بازسازگاری اجتماعی فرد در اجتماع است. آزادی مشروط را می توان به عنوان برنامه های جایگزین مجازات حبس- در مفهوم موسع- تلقی کرد البته در صورتی که با نظارت باشد.

پس اگر مدتی را فرد محکوم در زندان به سر بُرد و شواهد و قرائن نشان داد وی آمادگی بازگشت به جامعه را دارد باید تمهیداتی بکار برده شود تا وسیله بازگشت مجدد وی به اجتماع فراهم شود.

از سویی هم باعث صرفه جویی در مخارج عمومی کشور می شود.

ماده ۳۸ قانون. م.ا اینچنین می گوید: هر کس برای بار اول به علت ارتکاب جرمی به مجازات حبس محکوم شده باشد و نصف مجازات را گذرانده باشد دادگاه صادر کننده دادنامه محکومیت قطعی می تواند در صورت وجود شرایط زیر حکم به آزادی مشروط صادر کند:

۱- هرگاه در مدت اجرای مجازات مستمراً حسن اخلاق نشان داده باشد

۲- هر گاه از اوضاع و احوال محکوم پیش بینی شود که پس از آزادی دیگر مرتکب جرمی نخواهد شد.

۳- هر گاه تا آنجا که استطاعت دارد ضرر و زیانی که مورد حکم دادگاه یا مورد موافقت مدعی خصوص واقع شده بپردازد یا قرار پرداخت آن را بدهد و در مجازات حبس توأم با جزای نقدی مبلغ مزبور را بپردازد یا با موافقت رئیس حوزه قضائیه تربیتی برای پرداخت داده شده باشد.

شرایط و فواید آزادی مشروط

بند اول: شرایط

شرایط ماهوی و شکلی مربوط به آزادی مشروط:

- ۱- شرایط ماهوی اعطای آزادی مشروط عبارتند از: ۱- برای اولین بار به مجازات حبس محکوم شده باشد (ماده ۳۸ ق.م.ا) لذا محکومیت های دیگری غیر از حبس مانع اعطای آزادی مشروط نیستند.
- ۲- نصف مدت محکومیت به حبس را تحمل کرده باشد. ملاک احتساب نصف مجازات مقرر در دادنامه است اگر کسی برای اولین بار محکوم به حبس ابد شود آیا می تواند از آزادی مشروط استفاده کند یا خیر؟ از جمله موضوعاتی است که در قانون مجازات اسلامی مسکوت واقع شده است. در این خصوص ماده واحده قانون راجع به آزادی مشروط زندانیان مصوب ۱۳۳۷ مقرر نمود: «محکومین به حبس دائم پس از گذراندن دوازده سال حبس ممکن است از آزادی مشروط استفاده نمایند.»

اینکه آیا می توان این ماده واحده را اجرا کرد یا خیر؟ برخی معتقدند: آن قسمت از قانون مذکور که با قانون مجازات اسلامی مغایرت ندارد همچنان معتبر است و در موارد سکوت قانون می توان به آن استناد کرد (اردبیلی، ۱۳۸۴). به همین مناسبت یکی دیگر از حقوقدانان معتقد است که: «به نظر می رسد که تهیه کنندگان قانون مجازات اسلامی همانند قانون سابق (ق راجع به مجازات اسلامی) این تصور را کرده اند که در محکومیت های زندان ظاهراً امکان حبس ابد در تعزیرات وجود ندارد. در حالی که چنین نیست و گاه قانون، به عنوان مثال، تبصره ۴ بند ۶ ماده ۸ قانون مبارزه با مواد مخدر، مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام و یا ماده واحده غیرمشابه را با رعایت قاعده جمع مجازاتها وجود دارد به نظر ما در شرایط فعلی می توان از تبصره ۱ ماده واحده راجع به آزادی مشروط زندانیان استفاده کرده اما با توجه به فسخ قانون مجازات و به خصوص جانشین کردن مواد ۳۸ الی ۴۰ ق ما به جای قانون ۱۳۳۷ اشکال همچنان باقی می ماند؛ بنابراین سکوت قانون به منزله این است که محکومان به حبس ابد حق استفاده از آزادی مشروط را ندارند، هر چند اشکالات فوق همچنان باقی است (مهرا، ۱۳۸۴).

۳- نشان دادن حسن اخلاق در طول مدت اجرای حبس طبق شرط اول ماده ۳۸ ق.م.ا.

۴- پیش بینی عدم ارتکاب جرم، طبق شرط دوم ماده ۳۸ ق.م.ا با توجه به اوضاع و احوال پس از آزادی.

۵- پرداخت ضرر و زیان مدعی خصوصی یا جزای نقدی مورد حکم طبق سومین شرط موجود در ماده ۳۸ ق.م.ا.

۲- شرایط شکلی

م ۳۹ ق.م.ا مقرر می دارد «صدور حکم آزادی مشروط منوط به پیشنهاد سازمان زندانها و تأیید دادستان یا دادیار ناظر خواهد بود.»

صدور حکم آزادی مشروط با دادگاه صادر کننده محکومیت قطعی است. قسمت اخیر ماده ۳۸ اشاره می کند: «در صورت انحلال دادگاه صادر کننده حکم، صدور حکم آزادی مشروط از امتیازات دادگاه جانشین است» دادگاه مکلف به پذیرش درخواست اعطای آزادی مشروط نیست و این حکم نیز قابل تجدیدنظر نمی باشد؛ زیرا آزادی مشروط یک نوع ارفاقی است که دادگاه در صدور آن مختار است، اما رد درخواست مانع درخواست مجدد نیست. طبق م ۴۰ ق.م.ا مدت آزادی مشروط نیز به تشخیص دادگاه کمتر از یکسال و زیادتر از ۵ سال نیست. در این خصوص تغییر عمده ای نسبت به قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۸ صورت گرفته است. در قانون راجع به مجازات اسلامی مدت آزادی مشروط را اصولاً شامل بقیه، مدت مجازات می داند در صورتی که دادگاه می خواست تغییر دهد، مکلف بود مدت آزادی را بین ۱ تا ۵ سال تعیین نماید ولی قانون مجازات اسلامی چیزی راجع به تغییر مدت آزادی مشروط پس از صدور آن پیش بینی نکرده است.

بند دوم: فواید

آزادی مشروط هم دارای فوایدی است که عبارتند از: کاهش تورم جمعیت زندان، صرفه جویی در مخارج نگهداری زندانیان بازگشت سریعتر مجرم به زندگی عادی اش، استفاده جامعه از نیروی کار او و خانواده اش. جلوگیری از کاهش یا سلب اعتماد

جامعه و اطرافیان نسبت به مجرم و آزادی مشروط باعث می شود در مخارج عمومی کشور صرفه جویی شود و به افراد صالح جامعه هزینه نگهداری زندانی تحمیل نشود در غیر اینصورت جامعه ناچار است به طور غیرمستقیم هزینه آن را تقبل کند و این وجوه بی جهت صرف عده ای شود که حقوق جامعه را نادیده گرفته اند (شامبیانی، ۱۳۸۲).

بند سوم: آثار

با صدور حکم آزادی محکوم علیه از تحمل بقیه مجازات حبس بطور موقت معاف است. محکوم باید در مدت آزادی مشروط، دستورات و شرایط تعیین شده را رعایت کند، در صورت تخلف یا ارتکاب جرم جدید در دوره آزادی مشروط حکم صادره لغو شود و بقیه محکومیت به اجرا درآید.

تبصره ۵ م ۶۲ مکرر مقرر می دارد: ... همچنین در آزادی مشروط، آثار محکومیت پس از گذشت مدت مقرر از زمان آزادی محکوم علیه رفع می گردد.

در صورت رعایت شرایط و دستورات در دوران آزادی مشروط، آزادی وی پس از انقضاء آن قطعی است ولی قطعیت آزادی به معنی زوال محکومیت کیفری از سجل کیفری نیست. (برخلاف تعلیق اجرای مجازات)

انتقادات وارد بر آزادی مشروط در حقوق کیفری ایران

بر این نهاد ایراداتی است که عبارتند از:

۱- عدم تصریح دقیق قانونگذار در خصوص نوع حبس؛ که آیا تنها حبس ناشی از جرائم تعزیری و بازدارنده را شامل می شود یا شامل حبس حدی هم می شود. در صفحات قبل در این مورد توضیح دادیم.

۲- قانون مجازات اسلامی در خصوص حبس ابد که آیا آزادی مشروط شامل آن می شود یا نه ساکت است

۳- آزادی مشروط تنها مجرمینی را در بر می گیرد که برای اولین بار محکوم به حبس شده اند، این مسئله تا حدودی غیر منطقی است؛ زیرا ممکن است شخصی بطور غیرعمدی مرتکب جرم شده باشد. یا به دلیل قصور مجنی علیه یا علل دیگر. در صورتی که چنین فردی به نظر دادگاه خطرناک تلقی نمی شود.

۴- عدم پیش بینی نظارت و کنترل نهاد یا موسسه تصدی آن در طی دوران آزادی مشروط در ق.م. نظارت و کنترل پس از آزادی می تواند نقش به سزایی در کاهش تکرار جرم داشته باشد چرا که یکی از منطوق آزادی مشروط اصلاح و درمان و بازسازگاری مجدد مجرم و جلوگیری از تکرار جرم است. آنچه در اصلاح و بازسازگاری مجرم مهم به نظر می رسد، این است که آنها را تحت نظارت در حین آزادی قرار دهیم و امکانات و تسهیلات مورد نیاز را برای اصلاح و... مجرم فراهم کنیم والا رسالت وهدف آزادی مشروط (و تعلیق مراقبتی) نا تمام باقی می ماند. همچنین متصدی امر کنترل و مراقبیت از آن جهت که مسئول و نماینده جامعه می باشد، باید نقض این شرایط و دستورات از سوی مجرم در حین آزادی را جدی تلقی نماید والا آزادی مشروط (و دوره مراقبتی) بی فایده خواهد بود.

گفتار دوم: تعلیق اجرای مجازات

به دنبال صدور حکم محکومیت قطعی و تعیین مجازات نوبت به اجرای حکم بنا به علل و شرایطی که مقرر شده طبق قانون ممکن است به تاخیر افتد. تعلیق اجرای مجازات از آورده های مکتب تحقیقی است که محکوم علیه به موجب آن از اجرای کیفر حبس و شرایط نامناسب آن و ایرادات وارده بر آن نجات یابد.

مجازات حبس معلق شده به هر حال یک مجازات حبس است و لذا ماده ۲۱ قانون اختیارات دادگاههای جزایی مصوب ۱۹۷۳ (لزوم داشتن وکیل یا مشاور حقوقی برای متهم) وقتی که دادگاه مجازات حبس معلق را بررسی می کند همانطور که مجازات حبس فوری را بررسی می کند، اعمال می گردد. منظور این است که دارای وصف کیفری است و یک مجازات جایگزین است. تعلیق اجرای مجازات حقی برای مجرم به حساب نمی آید بلکه وسیله و ابزاری است برای ارفاق و مساعدت به مجرم که به دادگاه داده شده است تعلیق اجرای نیز تامینی است که مطابق با اصل فردی کردن مجازات هاست و رابطه مستقیمی با نوع جرم، میزان مجازات و بالاخره شخصیت مجرم دارد (مهرا، ۱۳۸۴).

تعلیق اجرای مجازات با تعویق مجازات فرق می کند. تعلیق اجرای مجازات یعنی اینکه اجرای مجازات تعیین شده به تأخیر می افتد در صورتی که در تعویق مجازات، یعنی بعد از صدور حکم محکومیت توسط دادگاه جزا یا مجیستریست، تعیین مجازات به تأخیر افتاد. به موجب تبصره ۱ ماده ۱ قانون اختیارات دادگاههای جزایی مصوب ۱۹۷۳ دادگاه، اعم از جزا و مجرمیت- می تواند صدور حکم مجازات در مورد مجرم را تا شش ماه به تعویق بیندازد در صورتی که بخواهد هر گونه تغییری را در رفتار مجرم پس از محکومیت (ترمیم خسارت مجرم) یا در اوضاع و احوال وی در طی آن مدت، مورد ارزیابی قرار دهد. تعویق به موجب تبصره ۱ ماده ۱ منوط به رضایت مجرم نسبت به آن است و بیشتر از یک بار در هر مورد جایز نیست. به علاوه مطلوب است که مجازات در تاریخ معین شده توسط دادگاه هنگامی که مجازات را به تعویق می اندازد صادر شود...

دادگاهی که مجازات را به تعویق می اندازد وظیفه دارد که برای مجرم روشن کند چرا مجازات به تعویق افتاده است و اینکه چه رفتاری از او در طول دوره تعویق انتظار می رود. بدیهی است انتظار می رود که متهم مرتکب جرائم دیگری نشود اما ممکن است به متهم گفته شود که باید خانه بماند یا ... زمانی که متهم برای تعیین مجازات حاضر می شود دادگاه صادر کننده حکم ممکن است به کمک گزارشات جدید بررسی کند که آیا متهم اساساً خود را با انتظارات مورد نظر دادگاه منطبق ساخته ... اگر مجرم تبعیت کرده است یک مجازات حبس فوری نمی بایست اعمال شود و اگر مجرم از انتظارات مورد نظر دادگاه تبعیت نکرده است دادگاه تعیین کننده مجازات می بایست دقیقاً بیان کند در چه خصوص تقصیر وجود داشته است. ارتکاب جرم در اثنای مدت تعویق محتمل است که منتج به مجازات حبس هم نسبت به جرم بعدی و هم نسبت به جرمی که مجازاتش معوق گردیده است؛ اما صرف عدم ارتکاب جرم دیگر الزاماً یک مجازات غیرسالب آزادی را برای مجرم تضمین نمی نماید... تعویق مجازات با تعویق صدور حکم به طور مشروط نیز فرق دارد. در تعویق صدور حکم به طور مشروط در صدور مجازات تردید وجود دارد و زمانی مجازات تعیین می شود که متهم آن شرط را (عدم ارتکاب جرم را طی مدت آزادی) رعایت نکند. ولی در تعویق مجازات بی تردید مجازات صادر می شود یعنی حتی مجازاتی صادر می کند و منوط به شرط نیست (مهرا. ۱۳۸۴).

در آخر باید گفت که این نهاد یعنی تعلیق در ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی آورده شده است. ماده ۲۵: در کلیه محکومیت های تعزیری و بازدارنده حاکم می تواند اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را با رعایت شرایط زیر از ۲ تا ۵ سال معلق می نماید.

الف: محکوم علیه سابقه محکومیت قطعی به مجازات های زیر نداشته باشد:

- ۱- محکومیت قطعی به حد
- ۲- محکومیت قطعی به حد قطع یا نقض عضو
- ۳- محکومیت قطعی به حد جزای نقدی به مبلغ بیش از دو میلیون ریال
- ۴- محکومیت قطعی به حد و مجازات حبس به بیش از یکسال در جرائم عمدی
- ۵- سابقه محکومیت قطعی دوبار یا بیشتر به علت ارتکاب جرم های عمدی با هر میزان مجازات

اهداف و فواید تعلیق اجرای مجازات

بند اول: اهداف

- ۱- اصلاح و بازپروری و باز اجتماعی کردن محکوم علیه. در اینجا به بزهکار فرصت داده می شود تا در ترمیم و جبران عمل خود بکوشد و بداند که جامعه قصد انتقام گرفتن از او را ندارد بلکه اصلاح او مدنظر است.
- ۲- جلوگیری از تراکم جمعیت زندان و جلوگیری از ورود مجرم به محیط جرم زای زندان
- ۳- کاهش هزینه های ناشی از محکومیت به حبس.

بند دوم: فواید

- ۱- جلوگیری از آثار سوء معاشرت مجرم با زندانیان سابقه دار، حرفه ای و خطرناک

مثلاً بسیاری از افراد که از سر اجبار و تنگدستی وادار به دزدی شده اند و در نتیجه دستگیر و روانه زندان می شوند و از طرفی دچار عذاب وجدان شدید و ترس از آینده هستند در اثر همنشینی با سارقین سابقه دار و حرفه ای تمام فوت و فن سرقت و راههای گریز از قانون را می آموزند و از طرفی به راحتی وجدان و بی خیالی عادت می کنند و ...

۲- جلوگیری از تراکم جمعیت کیفری زندان و صرفه جویی هزینه های زیاد آن مثل هزینه نگهداری زندانیان - خوراک-پوشاک-تهیه وسایل گرمایشی و سرمازا- هزینه مددجویان و نگهداران زندان.

۳- جلوگیری از به هم پاشیدگی خانواده، بهره مندی خانواده و جامعه از فعالیت اقتصادی وی

۴- کاهش فساد و ارتکاب جرم از سوی اعضای خانواده و زندانی و حتی شخصیت زندانی شده مثل ارتکاب مساحقه و لواط چون در زندان به همسر خود دسترسی ندارند؛ و از طرفی غریزه جنسی بسیار قوی است.

۵- جلوگیری از حس بی اعتمادی و بی عدالتی مجرمین نسبت به دستگاه قضایی و مجریان آنها.

۶- ایجاد فرصتی برای محکوم که عملاً وفاداری خود را نسبت به هنجارهای جامعه به اثبات برساند و به عنصری فعال در جامعه مبدل گردد. تا اینکه در زندان بماند و فقط مصرف کننده باشد و کم کم به تن پروری عادت کند و حس مسئولیت او از بین برود.

شرایط اعطای تعلیق اجرای مجازات و آثار لغو آن

بند اول: شرایط اعم از شکلی و ماهوی

۱- شرایط ماهوی

از نظر نوع محکومیت مقنن در ماده ۲۵ ق.م.ا مصوب ۷۰ مقرر می دارد که در کلیه محکومیت های تعزیری و بازدارنده ...

-بنابراین جرم باید از زمره جرائم تعزیری و بازدارنده باشد تا قابلیت معلق شدن را داشته باشد اما شامل کلیه جرائم تعزیری و بازدارنده نمی شود. قانونگذار در ماده ۳۰ برخی از این جرائم تعزیری و بازدارنده را به دلیل میزان اهمیت و خطرناکی و اخلال در نظم عمومی قابل تعلیق نمیداند یا در ماده ۳۶ کسانی را که به جرائم عمدی متعدد محکوم شده اند قابل تعلیق نمی داند.

-نداشتن سابقه محکومیت قطعی به مجازاتهایی که در بند الف ماده ۲۵ ق.م.ا آمده.

-شایستگی مجرم، تعلیق وقتی جایز است که دادگاه با ملاحظه وضع اجتماعی و سوابق زندگی محکوم علیه و ... اجرای قسمتی از مجازات را جایز نداند.

۲) شرایط شکلی

-همزمانی صدور حکم محکومیت و قرار تعلیق

-مستدل بودن حکم دادگاه طبق م ۲۸ ق.م.ا

-هشدار دادگاه به محکوم علیه از پیامدهای رفتار خلاف دستور دادگاه موضوع ماده ۲۹ و تبصره آن ر.م ۳۵.

بند دوم: آثار تعلیق

طبق قسمت اخیر ماده ۲۷، مجرمی که حکم مجازات حبس او تماماً معلق شده اگر بازداشت باشد فوراً به دستور دادگاه آزاد می شود. البته این امر تأثیری بر حقوق مدعیان خصوصی و تأدیه ضرر و زیان ناشی از جرم را ندارد. طبق ماده ۳۲ هر گاه محکوم علیه که اجرای مجازات او معلق شده مرتکب جرائم مستوجب محکومیت مذکور در م. ۲۵ نشود محکومیت تعلیقی بی اثر محسوب و از سجل کیفری حذف می شود.

بند سوم: لغو تعلیق

در موارد زیر تعلیق اعمال شده لغو می گردد. (۱) عدم پیروی از دستورات دادگاه

(۲) ارتکاب جرمی در دوران تعلیق م. ۳۳. (۳) عدم توجه دادگاه به سابقه محکومیت بزهکار طبق م. ۳۴. ۳۶.

انتقادات وارده بر تعلیق در حقوق کیفری ایران.

۱- مقنن در سال ۷۰ در ق.م.ا بر خلاف قانون راجع به مجازات اسلامی سال ۶۱ که تمام مجازات راقابل تعلیق می دانسته در ماده ۲۵ مقرر می کند «... حاکم می تواند اجرای تمام یا قسمتی از مجازات... معلق نماید». باید گفت تعلیق قسمتی از مجازات به ویژه کیفر حبس با مبانی و اهداف تعلیق مغایرت دارد، لذا تعلیق قسمتی از مجازات نه تنها از نقش تعلیق به عنوان جایگزین حبس می کاهد بلکه بر احساس بی عدالتی و نارضایتی عمومی نسبت به دستگاه قضایی می افزاید.

۲- در صوت پذیرش نظریه تقدم پرداخت خسارت مدعی خصوصی بر تعلیق (م.۳۱) با اشکالاتی روبرو می شویم.

الف- چونکه قانونگذار مهلتی برای پرداخت خسارت مدعی خصوصی مشخص نکرده سرنوشت تعلیق با ابهام باقی می ماند.

ب- به دنبال ایراد بالا، ناکارآمد بودن تعلیق به عنوان جایگزین حبس در صورتی که محکوم علیه طبق م.۶۹۶ ق.م.ا تا استیفای حقوق محکوم له در بازداشت به سر خواهد برد.

به ویژه هنگامی که قاضی با توجه به شرایط مندرج در قانون در خصوص تعلیق اجرای مجازات و به هدف پرهیز از اجرای حبس تعلیق را مناسب تشخیص دهد.

بنابراین ایرادات نه تنها به مبانی و اهداف تعلیق بلکه با هدف جایگزین آن به عنوان بدلی برای مجازات حبس مغایرت دارد. برای کاستن از این ایراد و مستحق تعلیق دانستن مجازات محکوم علیه و خطرناک بودن زندان برای وی می توان گفت که نظر اول با هدف و فلسفه تعلیق سازگارتر است البته در صورتی که محکوم علیه تعهد به جبران خسارت از بزه دیده به هر نحوی را داشته باشد.

۳- هیچ گونه کنترل و نظارتی بر اجرای دستورات دادگاه در ماده ۲۹ پیش بینی نشده است.

۴- ایراد به ماده ۳۰. ق در خصوص عدم شمول تعلیق نسبت به برخی جرائم است. به نظر برخی حقوقدانان که معتقدند «به نظر ما عدم شمول تعلیق به بعضی مجازاتهای تعزیری ذیل موجهی ندارد. به فرض وجود شدت و وخامت بعضی جرائم نباید موجب محرومیت از توجه و ارفاق گروهی از بزهکاران گردد که مانند دیگران در معرض همان زیانهای ناشی از اجرای مجازاتها خواهند بود...» (اردبیلی، ۱۳۸۴).

گفتار سوم: جزای نقدی

جزای نقدی از زمره مجازات های مالی است که گاه بصورت مجازات اصلی است البته چونکه اعمال مقرررات مربوط به تعلیق اجرای مجازات طبق ماده ۲۵. ق.م.ا اختیاری و در اختیار دادگاه است و نیز دادگاه در اعطای آن باید مصلحت جامعه و شرایط مقرر در قانون از قبیل وصف شایستگی مجرم را باید در اعطای آن در نظر بگیرد می توان قائل به این شد که تا حدودی می توان از شدت ایرادات و انتقادات وارده بر آن را البته در برخی از ایرادات من جمله دو ایراد اخیر کاست و گاه به صورت مجازات تکمیلی یا تنمیمی اجباری ماده ۶۰۶ ق.م.ا مورد حکم دادگاه قرار می گیرد یا تنمیمی اختیاری (ماده ۷۰۸ ق.م.ا). جزای نقدی دارای کارکردهایی است که زمره آنها، نقش جایگزینی جزای نقدی است (آشوری، ۱۳۸۲).

دیگر جزای نقدی یکی از برنامه هایی مجازات های بنیابین است که در کشورهای زیادی من جمله ایران از آن به عنوان مجازات مجرمین استفاده می شود. به عنوان مثال در انگلستان در سال ۱۹۹۰ جزای نقدی به عنوان مجازات در ۳۴ درصد جرائم قابل کیفرخواست در دادگاه مجیستریت و ۳ درصد از جرائم قابل کیفرخواست در دادگاه جزا تعیین می شده است. در این گفتار به سابقه تاریخی، مفهوم، مزایا، معایب و ماهیت بازداشت بدل از جزای نقدی و نقش جایگزینی آن می پردازیم.

ماهیت بازداشت بدل از جزای نقدی

در خصوص ماهیت بازداشت بدل از جریمه نظریات متعددی مطرح شده است: برخی معتقدند که «زندان بدل از جزای نقدی در ایران همانند آلمان و ایتالیا، جایگزین جزای نقدی است؛ زیرا مدت زمان براساس ملاکی که قانونگذار معین می کند از بابت جزای نقدی محسوب شده و از میزان آن می کاهد تا جایی که تمام جزای نقدی مورد حکم از بین برود، آنگاه محکوم علیه از زندان آزاد خواهد شد، بدین ترتیب حکم صادره به شکل تحمل بازداشت بدل از جزای نقدی اجرا شده محسوب می شود».

در مقابل برخی نیز معتقدند که: بازداشت ما به ازاء جزای نقدی، کیفر حبس نیست که مشمول قواعد محکومیت های کیفری سالب آزادی نظیر، آزادی مشروط شود بلکه ضمانت اجرا و وسیله وصول مطالبات دولت است (اردبیلی، ۱۳۸۴). به همین دلیل به موجب تبصره ۳ ماده ۱ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۵۱، هر گاه محکوم علیه پس از تحمل نصف مدت بازداشت بدل از جریمه نقدی نتواند جریمه نقدی را بپردازد و به موجب حکم دادگاه صادرکننده حکم جزایی، مقصر شناخته شود از زندان آزاد می شود از این رو، بازداشت بدل از جریمه، جایگزین جزای نقدی نیز محسوب نمی گردد. در تأثیر این نظر، برخی معتقدند که: «اگر چه از نظر سیاست کیفری مناسب، جزای نقدی به عنوان جایگزین زندان توصیه می شود، مع هذا اجرای حکم جزای نقدی، در صورت عجز محکوم علیه از پرداخت، منتهی به تبدیل آن به حبس می گردد و در واقع تبدیل آن به حبس، وسیله تعهد و اجبار محکوم علیه به پرداخته جریمه است». به علاوه تبصره ماده ۳۱ قانون اصلاح مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن مصوب ۶۷/۸/۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام مقرر کرده است که: «تقسیم جزای نقدی مورد حکم پس از اجرای مدت زمان زندان توسط اجرای احکام، منوط است به اخذ وثیقه ای معادل آن و تضمین معتبر از طرف شخص ثالث که مدت آن بیش از سه سال نباشد». این تبصره تأیید کننده قول آنهاست که معتقدند، زندان بدل از جزای نقدی ضمانت اجرا است نه جایگزین؛ زیرا اگر جایگزین تلقی می شد، تقسیم پرداخت جزای نقدی فاقد وجهت قانونی بود. در مجموع به نظر می رسد که نظر گروه دوم، با توجه به استدلالشان صحیح باشد (گلدوزیان، ۱۳۹۲).

گفتار چهارم: محرومیت از حقوق اجتماعی

مجازاتهای محرومیت از حقوق اجتماعی از ابتکارات جدید است که در برخی کشورها بکار رفته است. در این تحقیق ما با محرومیت از حقوق اجتماعی به معنی اعم سرکار داریم، به عبارت دیگر، مجازات محدود کننده آزادی یا سلب حقوق شغلی و خدمات عمومی همه آنها جزء حقوق اجتماعی و محرومیت از آنها هم محرومیت از حقوق اجتماعی اطلاق می شود. محرومیت از حقوق اجتماعی در معنی اعم نیز واجد کیفری بوده و تابع اصول حاکم بر مجازاتها می باشد که دارای اهدافی از قبیل پیشگیری از ارتکاب جرم و اصلاح و بازپروری مجرم، رعایت اصل فردی کردن مجازاتها، اجتناب از مجازات حبس به لحاظ اقتصادی و جرم زایی بودن زندان می باشد.

محرومیت از حقوق اجتماعی هر چند دارای وصف کیفری است از زمره تدابیری است که بیشتر جنبه تأمینی دارد و در واقع هدف عمده این تدابیر پیشگیری از سقوط مجدد محکوم علیه در بزهکاری از طریق ایجاد موانع در انجام فعالیت مجرمانه و دور کردن او از محیط هایی که جنبه جرم زایی برای وی دارد می باشد (ولک، ۱۳۹۲).

کمیسیون سیاست جنایی و اصلاح قوانین کیفری مرکز اطلاعات راهبردی و توسعه قضایی و شورای عالی توسعه قضایی لایحه ای تحت عنوان «لایحه مجازات اجتماعی» را تدوین کرده که در آن محرومیت از حقوق اجتماعی را به عنوان مجازات اجتماعی و جایگزین حبس در مواردی آورده است. طی مواد ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ لایحه مذکور. در این گفتار به این مطالب پرداخت می شود: محرومیت از حق اجتماعی و انواعش، خدمات عمومی و انواعش، جایگاه محرومیت از حقوق اجتماعی و خدمات عمومی در حقوق در این قسمت ابتدا به مفهوم محرومیت و تعریف آن در مجازات اسلامی و انواع محرومیت حقوق اجتماعی خواهیم پرداخت و سپس به معرفی خدمات عمومی می پردازیم.

جایگاه محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان ضمانت اجرای کیفری

محرومیت از حقوق اجتماعی (در معنای اعم) در حقوق کیفری ایران در قالب انواع مجازاتها تحقق یافته است.

بند اول: محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان کیفر اصلی

مجازات اصلی مجازاتی است که قانون برای هر جرم معین می کند و اجرای آن به موجب حکم قطعی دادگاه است. یکی از انواع مجازات اصلی محرومیت از حقوق نظیر محرومیت از اشتغال در نهادهای دولتی و محرومیت های حرفه ای و مالی و ... که در حقوق ایران اعمال می گردد. محرومیت های مزبور به چند دسته تقسیم می شوند که ذیلاً به آنها خواهیم پرداخت.

الف- محرومیت های اجتماعی محدود کننده آزادی

اینگونه محرومیت ها به عبارتی دیگر، ناظر به همان حق اقامت اشخاص بر می گردد. آزادی در انتخاب محل اقامت و امکان رفت و آمد آزادانه از اساسی ترین حقوق اجتماعی انسان شمرده می شود که اصل ۳۳ قانون اساسی به آن پرداخته است. به موجب این اصل: «هیچ کس را نمی توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می دارد».

به هر حال اگر این آزادی موجب اخلال در نظم و امنیت جامعه گردیده و ابزاری جهت ارتکاب اعمال مجرمانه واقع شود قانونگذار به نحو مقتضی آن را سلب یا محدود می سازد.

نظام کیفری ایران از بدو قانونگذاری (سال ۱۳۰۴) به ضمانت اجراهای محدود کننده آزادی به عنوان مجازاتهای اصلی (مواد ۸ و ۹ و ۱۲ و ۱۴ ق.م.ع ۱۳۰۴) و تبعی و تکمیلی (ماده ۱۹ ق.م.ع ۱۳۰۴) توجه داشته و سپس در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲ این ضمانت اجراها به عنوان مجازات تأمینی و تبعی و تکمیلی (بند های ۲ و ۳ ماده ۱۵ ق.م.ع مصوب ۵۲ و تبصره ۱ ماده مذکور) در نظر گرفته شدند و می توانستند به عنوان مجازات مستقل جنحه ای نیز مورد حکم قرار گیرند پس از انقلاب اسلامی می توان به ماده ۱۹ ق.م.ا عنوان مجازات تکمیلی، ماده ۲ لایحه مجازات اخلال در امر کشاورزی و دامداری مصوب ۱۳۵۸ به عنوان مجازات اصلی یا در ماده ۳ ف.م.ج.ن.م مصوب ۷۱ صراحتاً و در ماده ۲۲ ق.م.ا مصوب ۷۰ و یا ماده ۸۷ ق.م.ا اشاره کرد در قالب مجازاتهای بازدارنده به عنوان مجازات جایگزین حبس در نظر گرفته شده اند. اکنون بعد از ذکر سابقه تاریخی آن به طور مختصر، به مصادیق محرومیت های محدود کننده آزادی می پردازیم.

۱- تبعید

تبعید به عنوان مجازات اصلی در مواد متعددی از قانون مجازات اسلامی از جمله در مواد ۸۷ در مورد زنا، ۱۳۸ در مورد قوادی و ۱۹۳ و ۱۹۴ در مورد محاربه و افساد فی الارض آمده است. یا ماده ۳ ق.م.ج.ن.م مصوب ۷۱ و نیز ماده ۲۲ لایحه قانونی تشدید مجازات مرتکبین جرایم مواد مخدر... مصوب ۵۹ تبعید را به عنوان جایگزین کیفر حبس پیش بینی کرده اند قانونگذار مواد ۱۹۳ و ۱۹۴ ق.م.ا و نیز ماده ۲۹۷ آ.د.ک ۷۸ نحوه و شیوه اجرای مجازات تبعید را مشخص کرده است.

ماده ۱۹۳ مقرر می دارد: «محاربه که تبعید میشود باید تحت مراقبت قرار گیرد و با دیگران معاشرت و مرادوده نداشته باشد». ماده ۱۹۴ ق.م.ا مقرر می دارد: «مدت تبعید در هر حال کمتر از یک سال نیست اگر چه بعد از دستگیری توبه نماید و در صورتی که توبه ننماید همچنان در تبعید باقی خواهد ماند».

ماده ۲۹۷ آ.د.ک مقرر می دارد: اشخاصی که به تبعید محکوم شده اند، به محل اعزام و مراتب در دادگاه و نیروی انتظامی محل ابلاغ می شود.

تبصره- آیین نامه اجرایی این ماده ظرف سه ماه توسط وزارت خانه های دادگستری و کشور تهیه و به تصویب هیأت وزارت خواهد رسید.

آیین نامه اجرایی تبصره ماده (۲۹۷) قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری به همراه ۱۶ ماده در مورخ ۸۰/۶/۱۴ به تصویب هیأت وزیران رسید.^۱

تبعید نوعی محدودیت در آزادی اقامت و رفت و آمد محکوم علیه است با عنایت به شرایط سخت و نظارت و کنترل شدید و ضمانت اجرای شدید پس جایگزین مناسبی برا حبس نیست در واقع تبعید یک تنبیه روحی است که می تواند عوارض غیر قابل جبران بر شخصیت فرد بگذارد.

۲- منع اقامت یا اجبار به اقامت در منطقه یا نقاط معین

۱- روزنامه رسمی شماره ۱۶۴۸۲ مورخ ۸۰/۷/۷

اختیار مسکن واقامتگاه و رفت و آمد در داخل کشور برای همه افراد اتباع یک کشور اصولاً آزاد است (اصل ۳۳ ق.اساسی) در مقررات قانونی می توان مواردی را یافت که در آنها منع اقامت یا اجبار به اقامت در نقطه یا نقاط معین به عنوان مجازات اصلی یاد شده است که این موارد عبارتند از:

-ماده ۱ لایحه قانونی راجع به مجازات حمل چاقو و انواع دیگر اسلحه سرد مصوب ۱۳۳۶.

-در ماده ۳ ق.م.ج.ن.م. مصوب ۱۳۷۱ و ۱۳۸۲ مجازات فوق را به عنوان مجازات تبدیلی اصلی به اختیار دادگاه تعیین شده است.

-ماده ۲۲ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۰.

ضمانت اجرای تخلف از اقامت اجباری یا منع اقامت در محل معین براساس ماده ۲۰ ق.م.ا. جزای نقدی یا زندان است.

۳- منع خروج از کشور

ضمانت اجرای برخی از جرائم به صورت محکومیت به منع خروج از کشور است. قانون راجع به الحاق ماده واحده ای به قانون گذرنامه ۱۳۵۱ ... برای صدور گذرنامه راننده یا کمک راننده ای که در خطوط بین المللی فعالیت می کنند، شرایطی وضع کرده است. چنانچه متقاضیان به طور غیرواقعی و با وجود فقد شرایط اقدام به اخذ گذرنامه مزبور نمایند، ضمن ابطال مجوز عبور از مرز، راننده یا کمک راننده به مدت ۵ تا ۱۰ سال از حق خروج از کشور به عنوان راننده یا کمک محروم خواهد بود.

۴- اخراج بیگانه از کشور. (ماده ۱۱ قانون راجع به ورود و اقامت اتباع خارج در ایران مصوب ۱۳۱۰ با اصلاحات بعدی).

ب- محرومیت سالب حقوق اجتماعی

حقوق اجتماعی در معنی خاص از زمره حقوق انسان تلقی می شوند. محرومیت از آن حقوق می تواند مشکلاتی را در عرصه فعالیت های اجتماعی و اقتصادی انسان بوجود بیاورد. اصل ۲۰ و ۲۲ قانون اساسی، به این حقوق پرداخته است. محرومیت های سالب حقوق اجتماعی هم به عنوان مجازات اصلی و هم به عنوان مجازات تتمیمی و تبعی در قانون مجازات اسلامی از آن یاد شده است که در این قسمت از آن به عنوان ضمانت اجرای کیفری اصلی و به عنوان مجازات جایگزین مجازات حبس بحث می کنیم.

قوانین و مقرراتی وجود دارند که محرومیت از سالب حقوق اجتماعی را به عنوان مجازات اصلی یاد کرده اند که از جمله آنها عبارتند از:

۱- ماده ۱۷ ق.م.ا. که از آن به عنوان مجازات بازدارنده یاد می کند.

۲- ماده ۲۲ ق.م.ا. در خصوص تبدیل مجازات

۳- ماده ۲۵ قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۶۷ (محرومیت موقت و دائم از عضویت در شورای اسلامی)

۴- ماده ۲۰ ق.م.ا. صدور چک ۵۵ و اصلاح ۸۱ (محرومیت از افتتاح حساب)

۵- ماده ۷۱۸ ق.م.ا. ۱۳۷۵ (محرومیت از رانندگی)

۶- ماده ۳ قانون مجازات جرائم ن.م. (تبدیل مجازات)

۷- ماده ۴۱ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵

قطع موقت خدمات عمومی نیز از دیگر مجازات های محرومیت از حقوق اجتماعی است که قانونگذار در ماده ۷۲۸ ق.م.ا. مصوب ۷۵ از آن به عنوان یکی از ضمانت اجراهای قابل اعمال در مقام تبدیل مجازات پیش بینی کرده است. تبصره ۱ ماده ۶۲ مکرر ق.م.ا. مصوب ۷۷ در تبیین حقوق اجتماعی اشعار می دارد: حقوق اجتماعی عبارت است از حقوقی که قانونگذار برای اتباع جمهوری اسلامی و سایر افراد مقیم در قلمرو حاکمیت منظور نموده است و سلب آن به موجب قانون است.

ج) محرومیت های سالب حقوق شغلی

حقوق شغلی یکی دیگر از حقوق اجتماعی انسان ها تلقی می شود، به عبارت دیگر، حقوق شغلی افراد محترم و غیرقابل تعرض است (اصول ۲۲ و ۲۸ قانون اساسی) شغل مفهوم عامی است که شامل پرداختن به هر نوع فعالیت حرفه و کسب در قالب استخدام دولتی یا استخدام در موسسات عمومی یا خصوصی و فعالیت در قالب نظام های حرفه ای یا صنفی می شود.

سلب مزایا و امتیازات اشتغال یا محدودیت در برخورداری از آنها یکی از ضمانت‌اجراهای اجتماعی به حساب می‌آیند که دارای نقش پیشگیرانه هستند.

محرومیت‌های اجتماعی موضوع حقوق شغلی عبارتند از:

- محرومیت‌های حقوق استخدامی که به عنوان ضمانت اجرای کیفری اصلی در آمده است. محرومیت از حق ورود به خدمات دولتی که همان مجازات انفصال از خدمات است.

- محرومیت از فعالیت حرفه‌ای مثلاً تبصره ۲ ماده ۳ قانون مربوط به مقررات امور پزشکی دارویی و مواد خوردنی مصوب ۳۴ - تعطیل محل کسب، به عنوان مثال موارد ۱۷ و ۲۲ ق.م.ا یا ماده ۱۳ قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی مصوب ۱۳۶۷

- ابطال پروانه (به عنوان مثال، ماده واحده قانون مجازات نانوایان یا قصابان متخلف مصوب ۱۳۵۴ یا مواد ۱۷ و ۲۲ ق.م.ا یا ماده ۲۷ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴).

بند دوم: محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان کیفر فرعی

مقنن محرومیت از حقوق اجتماعی در معنای عام را نیز بیشتر در قالب ضمانت‌اجراهای کیفری ترمیمی و تبعی آورده است.

۱- ضمانت اجرای ترمیمی: با توجه به اصل تناسب جرم و مجازات، اساساً واکنش اجتماعی به موارد نقض مقررات جزایی می‌بایست در کیفر اصلی منعکس شود اما به دلیل اختلافات شدید اوضاع و احوال جرم ارتكابی شخصیت مجرم و سایر عوامل موثر در پدیده مجرمانه و اینکه پیش‌بینی جزئیات هر حادثه و پاسخ کیفری مناسب عملاً غیر مقدور است بنابراین سیاست‌گذاران حقوق کیفری به وضع ضمانت‌اجراهای ترمیمی یا تکمیلی اقدام کردند با هدف مراعات هر چه بیشتر اصل تناسب و تحقیق سایر اهداف اینها عبارتند از قوانین و مقرراتی که محرومیت از حقوق اجتماعی را به عنوان مجازات ترمیمی در نظر گرفته عبارتند از (۱) مواد ۱۹ و ۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۷۰ مصداق بارز مجازات تکمیلی و ترمیمی است (۲) ماده ۷۱۸ ق. مجازات اسلامی مصوب ۳۰۷۵) محرومیت‌های اجتماعی موضوع حقوق مالی (به عنوان مثال، ماده ۱۰ ق.م.ا یا ماده ۵۲۲ ق.م.ا)

۲- ضمانت‌اجراهای تبعی:

ضمانت اجرای تبعی عبارت است از مجازاتی که نیازی به ذکر آن در حکم محکومیت کیفری نیست و ناشی از محکومیت کیفری است. محرومیت از حقوق اجتماعی نیز در قالب مجازات تبعی آمده است و قانونگذار در مواردی از قوانین و مقررات به این نوع مجازات‌ها و قواعد و مقررات مربوط به آن پرداخته است. به عنوان مثال، ماده ۶۲ مکرر ق.م.ا مصوب ۷۷ به همراه تبصره‌ها آن در این مبحث به معرفی جایگزین‌های سنتی و مقررات مربوط به آنها پرداخته شده است و در مبحث بعدی به معرفی جایگزین‌های جدید حبس خواهیم پرداخت.

بخش دوم: جایگزین‌های نوین در قانون جدید

گفتار اول: تعویق تعقیب

مواد ۴۰ الی ۴۵ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ به تعویق تعقیب اختصاص یافته که تعویق تعقیب در جرائم کم اهمیت که سبب تراکم پرونده‌های کیفری هستند دادستان نظر به تعقیب نکردن جرم می‌گیرد. البته همانطور که می‌دانیم دادسرا مکلف به تعقیب جرائمی است که از آنها مطلع می‌شود. این تعقیب نکردن به معنای هرگز تعقیب نکردن نیست تعویق می‌تواند به شیوه بایگانی کردن پرونده یا جایگزینی شیوه‌های دیگر مجازات از جمله: سازش و معالجه یا درمان معتادان باشد. منظور از تعویق تعقیب در مطالب فوق، تعویق مراقبتی است که در آن فرد مجرم به انجام تکالیف و دستوراتی که دادگاه مقرر نموده ملزم می‌گردد نه تعویق ساده که صرفاً تعهدی در آن اخذ می‌گردد (صلاحی، ۱۳۹۲).

گفتار دوم: تعلیق مراقبتی

مواد ۴۶ الی ۵۵ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ به تعلیق و کم و کیف آن پرداخته است؛ که این تعلیق، تعلیق اجرای حکم و تعلیق نظارتی نظارت الکترونیکی را نیز شامل می‌شود. در کل تعلیق از دیگر جایگزین‌های نوین برای زندان است که اعمال آن میتواند راهکار مناسبی به جای حبس باشد. فرد بزه کار در راستای اجرای تعلیق بایستی دستوراتی را که دادگاه برای او مقرر کرده، در دوره زمانی مشخص به انجام رساند؛ که این دستورات می‌تواند معرفی نوبه ای به مکانی مشخص و یا در زمانی مشخص و امثال این دستورات باشد؛ که در کل هدف از این شیوه نظارت، تحمیل مجازاتی به مراتب سبک تر از زندان است؛ که با توسل به یک سلسله الزامات همراه می‌باشد (صلاحی، ۱۳۹۲).

گفتار سوم: خدمات عمومی رایگان (کارعام المنفعه)

کار عام المنفعه (خدمات اجتماعی) که مواد ۷۹ و ۸۴ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ به آن اختصاص یافته است. کار عام المنفعه به عنوان سایر مجازات‌ها در ادوار گذشته (امپراطوری روم) نیز رایج بوده و کار به جای زندان محسوب می‌شده است؛ و کاری است که دادگاه با رضایت شخص مجرم به مجرم پیشنهاد می‌کند تا کاری را به نفع جامعه و به جای رفتن زندان انجام داده و بدین نحو فرد بزه کار با انجام کار، بجای رفتن زندان در صدد جبران خطای ارتکاب یافته بر می‌آید. البته با این کیفیت که برای مدتی معین و بصورت رایگان در مکانی مشخص که از ناحیه ی دادگاه تعیین می‌شود که این خود هم مناسب به حال متهم و هم مناسب به حال جامعه است. چرا که هدر رفتن نیروی انسانی در زندان، باعث عدم رشد اقتصادی نیز می‌گردد. کشور های پیشرفته اکثراً از این شیوه استفاده می‌کنند و موفقیت چشمگیری نیز در این زمینه داشته‌اند. کار عام المنفعه در این کشورها حجم بالایی از محکومیت‌های جایگزین زندان را شامل می‌شود (بلانین و منصور، ۱۳۹۳).

گفتار چهارم: جزای نقدی روزانه

جزای نقدی روزانه (جریمه های روزانه) که ماده ۸۵ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ به آن اختصاص یافته جریمه ای است که با میزان درآمد روزانه ی مجرم ارتباط دارد و شیوه ای نوین و موثر وعادلانه تر از جریمه های نقدی سابق است. در صورت عدم پرداخت این جریمه در نهایت به زندانی شدن محکوم منجر خواهد شد؛ و با فوت محکوم به ورثه منتقل می‌شود. در نظام جریمه های روزانه، مبلغ و میزان جریمه، در دو مرحله مشخص می‌شود: در مرحله ی نخست، قاضی بر حسب نوع و اهمیت جرم و در مرحله ی دوم، قاضی به تناسب در آمد مجرم، جریمه ی روزانه را تعیین می‌کند؛ یعنی مقداری از درآمد روزانه ی مجرم را برای فراهم کردن مخارج مجرم و خانواده اش کنار گذاشته، و مابقی را بعنوان جریمه از آن کسر می‌کند. میزان دریافت این جریمه بیشتر از جریمه های نقدی سابق است (بلانین و منصور، ۱۳۹۳).

گفتار پنجم: محرومیت از حقوق اجتماعی

محرومیت از حقوق اجتماعی که ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی به صورت کلی به آن اشاره نموده است. محرومیت از حقوقی از جمله: منع رفت و آمد آزادانه افراد به مکانی معین، یا صرفاً رفت و آمد فرد مورد نظر در محدوده ی معین (اقامت یا عدم اقامت در محدوده ی معین و خودداری از تصدی کلیه یا برخی از وسایل نقلیه موتوری موضوع بند ب، ث ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲) است. مجازات‌هایی مثل زندان خانگی (حبس خانگی) و نظارت الکترونیکی، تعویق مراقبتی، تعلیق مراقبتی و حتی خدمات عمومی رایگان (انجام کار عام المنفعه) نیز باتوجه به اینکه هر فردی حق دارد در شرایط برابر و رضایت بخش کار کند و برای کار یکسان دستمزد برابر دریافت کند (که مواد ۶ و ۷ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶ نیز به این مطلب اشاره دارد) نیز به نوعی محرومیت از برخی حقوق اجتماعی به شمار می‌آیند (گلدوزیان، ۱۳۹۲).

گفتار ششم: حبس خانگی

حبس در خانه اصطلاحی است که محدودیت رفت و آمد و خروج از منزل اشاره دارد. در اجرای این مجازات آزادی ورود و خروج محکوم علیه از منزل محدود می شود و او ملزوم می شود در منزل خود باقی بماند یا وی فقط در ایام معین که از قبل به او اعلام شده است، حق خروج از منزل را دارد. در این مجازات، خانه محکوم علیه به منزله زندان بوده و در حکم سلول است مطابق ماده ۶۱ ق.م.ا.ج در جرایم تعزیری از درجه ۵ تا ۸ دادگاه می تواند در صورت وجود شرایط مقرر در تعویق مراقبتی محکوم به حبس را با جلب رضایت وی در محدود مکانی مشخص تحت نظارت سامانه های الکترونیکی قرار دهد. یکی از ایراداتی که می توان به قانون گذار وارد ساخت این است که با وجود اینکه حبس خانگی با نظارت الکترونیکی در صدر مجازاتهای جایگزین حبس قرار دارد، آن را در فصل مربوط به جایگزینهای حبس نیاورده است و در فصل قبل از آن یعنی نظام آزادی مشروط قرار داده است.

گفتار هفتم: دوره مراقبت

مطابق ماده ۸۲ ق.م.ا.ج دوره مراقبت دوره ای است که طی آن محکوم، به حکم دادگاه و تحت نظارت قاضی اجرای احکام به یک یا چند مورد از دستورات مندرج در تعویق مراقبتی به شرح ذیل محکوم می شود.

- ۱- در جرایمی که مجازات قانونی آنها حداکثر ۳ ماه حبس است تا ۶ ماه
- ۲- در جرایمی که مجازات قانونی آنها نود و یک روز تا شش ماه حبس است
- ۳- جرایمی که نوع و میزان تعزیر آنها در قوانین موضوعه تعیین نشده است، شش ماه تا یک سال
- ۴- جرایمی که مجازات قانونی آنها بیش از شش ماه تا یک سال است، یک تا دو سال
- ۵- در جرایم غیر عمدی که مجازات قانونی آنها بیش از یک سال است، دو تا چهار سال.

مطابق ماده ۴۲ ق.م.ا.ج تعویق مراقبتی یکی از اشکال تعویق صدور حکم است که مطابق آن دادگاه می تواند علی رغم مهیا بودن پرونده برای رسیدگی، صدور حکم را به مدت شش ماه تا دو سال به تعویق اندازد و در این مدت متهم را به انجام یک سری دستوراتی محکوم نماید.

گفتار هشتم: مصادره اموال

یکی دیگر از اقداماتی که می تواند جایگزین مجازات شود (جایگزین مجازات زندان) ضبط تمام یا قسمتی از اموال محکوم علیه به نفع دولت می باشد. ضبط و مصادره اموال را بطور کلی به دو نوع می توان تقسیم کرد: یکی مصادره عمومی و دیگری مصادره اختصاصی

۱- مصادره عمومی

عبارت است از ضبط اموال موجود محکوم علیه اعم از منقول و غیر منقول. این گونه مصادره مجازات بسیار موثر است؛ زیرا علاوه بر شدت، جنبه کاملاً اربابی دارد؛ اما باید به این امر توجه کرد که آثار این نوع محکومیت، تنها به شخص محکوم علیه محدود نمی شود، بلکه خانواده و دیگر کسان او را نیز متاثر می سازد. از این حیث، این مجازات را مغایر انصاف و عدالت شناخته اند.

۲- مصادره اختصاصی

عبارت است از این که مالکیت برخی از اشیاء که به نحوی با جرم در ارتباط بوده، به دولت اختصاص پیدا کند. این اشیاء گاهی موضوع جرم است و عمل مجرمانه بر روی آن انجام شده، مانند کالایی که به طور قاچاق و غیر قانونی وارد کشور شده است، گاهی ممکن است مال مورد مصادره آلت جرم باشد؛ مانند وسیله نقلیه که برای حمل و نقل کالای قاچاق مورد استفاده قرار میگیرد. در بعضی کشورها، از این مجازات به عنوان جایگزینی برای زندان استفاده می کنند، مانند فرانسه، هلند و آلمان. آن گونه که ماده ۲۱ قانون جزایی فرانسه به تبیین این مجازات پرداخته و مقرر می دارد:

«... مجازات ضبط و مصادره اموال، در مورد اشیایی اعمال می شود که در ارتکاب جرم به کار رفته است و یا استفاده از آن در ارتکاب جرم مقصود بوده و یا در نتیجه ارتکاب جرم به دست آمده است و... زمانی که شیء مصادره شده به دست نیامده یا نمی تواند مورد شناسایی قرار گیرد، به مصادره ارزش آن حکم داده می شود. برای وصول تمامی مبلغ معادل ارزش شیء مصادره شده، مقررات مربوط به الزام وصول. از طریق بازداشت قابل اعمال می باشند...»

اما راجع به مواردی که می توان از این جایگزینی استفاده کرد، باید متمرکز شویم که قانونگذار فرانسه بر اساس مواد ۱۲ و ۱۴ اجازه استفاده از مجازات را در جرایم خلافی به قضات داده است.

همچنین براساس مواد ۳ و ۶ قضات می توانند از این مجازات، در جرایم جنحه ای استفاده نموده و مستقیماً آن را مورد حکم قرار دهند یا از آن به عنوان بدل و جایگزین زندان استفاده نمایند؛ اما در مورد جنایات، قضات می توانند از این مجازات و دیگر مجازات های محروم کننده و محدود کننده حقوق، فقط به عنوان یک مجازات تکمیلی استفاده نمایند.

اما در حقوق ایران، ضبط و مصادره اموال، به عنوان مجازات اصلی مورد حکم قرار نمی گیرد بلکه در مواردی از این مجازات به عنوان مجازات تکمیلی استفاده می شود. از این قبیل به موارد زیر می توان اشاره کرد: ماده ۷۰۹ در مورد آلات و اسباب قمار که حسب مورد به موجب حکم دادگاه معدوم و یا ضبط می شوند و ماده ۵۲۲ که مربوط به مصادره سکه قلب می باشد و یا ماده ۷۱۲ که مربوط به مصادره اموال حاصل از طریق تكدی و کلاشی می باشد.

گفتار نهم: پرداخت غرامت به مجنی علیه

یکی دیگر از مجازاتهایی که جنبه مالی دارد و می تواند به عنوان جایگزینی مناسب برای زندان در نظر گرفته شود مجازات پرداخت غرامت و جبران خسارت وارده بر مجنی علیه می باشد.

به عقیده بعضی از جرم شناسان، هنگامی که طبیعت جرم اقتضای حبس مجرم را ندارد، حکم به پرداخت غرامت به مجنی علیه، حتی از محکومیت وی به جزای نقدی نیز بهتر است چرا که مبلغ حاصله از جزای نقدی به خزانه دولت واریز می شود، در حالی که در اینجا غرامت به شخص مبنی علیه پرداخت می شود و همین امر باعث جلب رضایت وی و رفع آلام و کدورتها از وی می شود.

نتیجه گیری

در حقوق کیفری ایران، اگرچه تدابیری تحت عنوان جایگزین های مجازات حبس و حتی اجتناب از آن از نخستین دوره های قانون گذاری پیش بینی شده است، اما این تدابیر از انسجام کافی برخوردار نبوده و برای نهادینه ساختن آن در نظام کیفری ایران سیاست جنائی مشخصی دیده نمی شود. این تدابیر در حقوق کیفری ایران محدود و تنها شامل برخی نظیر تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، تبدیل مجازات، محرومیت از حقوق اجتماعی و نیز جزای نقدی می شود. در قوانین فعلی ایران برای اجرای این تدابیر، نهادهای مشخص با مأمورین ویژه و دارای اختیارات معین پیش بینی نشده است. در حالی که روش های دیگر جایگزین نظیر خدمات عمومی، جریمه روزانه و غیره می توانست تنوع بیشتری به این سیاست ببخشد و در رعایت اصل تناسب و فردی کردن مجازات مساعدت بیش تری نماید؛ اما طی چند سال اخیر، نظام عدالت کیفری با تأثیرپذیری از فقه اسلامی و حقوق تطبیقی و نیز با تأثیرپذیری از اسناد بین المللی به سوی حبس زدایی و توسل به راه حل های آن گرایش دارد. با توجه به اینکه یکی از اهداف مهم مجازات ها اصلاح مجرم و پذیرش مجدد او در جامعه است، متفکران در مسائل حقوقی بدین نتیجه رسیده اند که در برخی از موارد و نسبت به بعضی از بزهکاران بهتر آن است که اجرای مجازات با شرایطی ارفاق گردد. نهادهای ارفاقی تعویق صدور حکم یک وسیله ارفاقی برای متهم است که دادگاه با رعایت شرایطی به مجرم اعطا میکند. در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ این موضوع و جوانب آن بررسی شده که به آن نیز در متن اصلی پرداخته شد. در این تحقیق به انواع تعویق ها نیز پرداخته شد که دادگاه صادر کننده رای براساس شخصیت مجرم و نحوه زندگی وی حکم به یک نوع از اشکال یاد شده را می کند. کارآیی یا ناکارآیی نهادهای حقوق کیفری مثل تعویق صدور حکم صرف نظر از ماهیت آنها که گاهی نیازمند اصلاحات بنیادی و تحولات اساسی است به اتخاذ تدابیر و تصمیمات دیگری بستگی دارد که بدون توجه

به آنها نمی توان به عدم بازگشت بزه کاران به زندان یا کاهش نرخ تکرار جرم امیدوار بود. مطالعه کیفیت تأسیس نهادهای ارفاقی در نظام حقوق کیفری ایران و چگونگی توسل به آنها توسط قضات و نیز ارزیابی نتایج حاصل از آن که البته جز با برخورداری از آمار جنایی دقیق و ممکن الوصول امکان پذیر نخواهد بود.

منابع

۱. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۴); حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات مجد، جلد دوم، چاپ دوازدهم.
۲. آشوری، محمد (۱۳۸۲); جایگزین های زندان یا مجازات بینابین. چاپ اول. تهران. نشر گرایش.
۳. بلانیان، حسین و منصور، سید مهدی (۱۳۹۳); آسیب شناسی مجازات های جایگزین زندان در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ اولین همایش ملی وکالت، اخلاق، فقه و حقوق.
۴. شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۸۲); حقوق جزای عمومی، انتشارات مجد، جلد اول و دوم، چاپ چهارم.
۵. صلاحی، جاوید (۱۳۹۲); کیفرشناسی. انتشارات میزان. تهران.
۶. گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۲); محشای قانون مجازات اسلامی. انتشارات مجد. تهران.
۷. نوریها. رضا (۱۳۹۰); زمینه حقوق جزای عمومی. انتشارات گنج دانش. تهران.
۸. ولک، برنار (۱۳۹۴); کیفرشناسی؛ ترجمه: نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ چاپ چهارم، تهران، مجمع علمی فرهنگی مجد، ۱۳۸۴.

Studying the Traditional and New Penalties of Substitution Alternatives in the Islamic Penal Code

Nooshin Yousefinejad, Mahmoud Aghajani

Department of Law, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran

Department of Law, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran (Corresponding Author)

Abstract

Considering the ineffectiveness of prison sentences, in particular short-term imprisonment for the reformation of prisoners, as well as the criminal nature of the prison environment, the economic costs of the prison, the health problems of the prison, etc., to anticipate alternative detention plans And it looks useful. Accordingly, today, Iran's criminal policymakers have been developing prison sentences for social penalties in the context of detaining and prohibiting the use of imprisonment. In this article, we study the traditional and new types of imprisonment alternatives in Iran's criminal justice system.

Keywords: correction, rehabilitation, substitution alternatives
